

گفت و گوی کوتاهی با نسیم مرعشی؛ نویسنده کتاب «هرس»

یک تلخی بی پایان



ناحیه دری

«۱۰ سال بود که نوال توی خیابان های اهواز مرد نمی دید؛ غیر از رسول که مانده بود و نوال روز نحس بخشیده بود، فهمیده بود چه خوب شد که رسول رفت اهواز برای مصاحبه و نمازند خرمشهر و نمرود. نوال شش هابی که بی خواب می شد، شش های زادی که بی خواب می خواب، گوسفند هار انمی شمرد تا خوابش ببرد، مرده های مرده خرمشهر را می شمرد. از کس و کار خودش شروع می کرد، از پسرش و آقاوش و پسر عامو هاش که قبل از پسرش و آقاوش طوری مرده بودند که هیچ تکه در سستی ازشان نمانده بود. بعد می رسید به همسایه ها، بعد همسایه های بی چگی، بعد همسایه های، بعد آن هایی که در تلویزیون و جمله های سر خیابان ها و روی سنگ قبر های جنت آباد دیده بود و اسم ها و صورت های شان یادش نرفته بود رسول سپرده بود اسم هیچ کدام را هیچ وقت نیارود». (مرعشی، نسیم. هرس. تهران: نشر چشمه، ۱۳۹۶، ص ۲۸)

هرس، در جمله اول روایتی متفاوت و نواست اما نواز جنگ کلکش از جنگ زده ها، تلخی بی پایانی که بر فضای کتاب سایه انداخته است و هر چه در خواندن آن جلوتر می روم، نشر اندوه بار کتاب سنگین تر و غم انگیز تر است. کتاب، بر آمده از دل جنگ است؛ جنگ سال هاست که برای همه ما به جز جنگ زده ها تمام شده است. در هرس با نوالی مواجهیم که سایه جنگ، مانند بختگی بر زندگی اش افتاده است. با رسولی مواجهیم که تلاش دارد جنگ و تبعات آن را فراموش کند، نادره بگیرد و خانواده اش را از زوال نجات دهد.



دیگری به جز آن ندرام اولویت زندگی ام به طور کلی؟ باید به این بیشتر فکر کنم.
● در حال حاضر مشغول نوشتن هستید؟ کمی راجع به فضا و فرم و روایت آن برای ما می گوید؟
در حال تحقیق برای نوشتن کتابی غیر داستانی هستم. امیدوارم زود تر بتوانم نگارش آن را شروع کنم.
● کلام آخر؟
عرضی نیست. ممنون.
ممنون از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

● بیشتر رمان نویس ها کار خود را با داستان کوتاه آغاز کرده اند؛ آیا در مورد شما نیز چنین بوده؟ ممکن است تجربه های نوشتاری خود را برای ما بازگو کنید؟
بله. قبل از شروع رمان اولم، چند داستان کوتاه با فضاهای بسیار متفاوتی نوشتم که برایم جنبه آموزشی داشت. چند داستان کوتاه دیگر هم بعد از آن نوشتم. ام. این روزها دوست دارم ادبیات غیر داستانی را تجربه کنم.
● کدام کتاب خود را موفق تر می دانید؟
پاییز فصل آخر سال است یا هرس؟ و دلیل این موفقیت از دید شما چیست؟
بستگی دارد موفقیت را در چه بینید. از نظر ادبی، قصه و زبان هرس را بیشتر می پسندم. باید منتظر بمانیم ببینیم اقبال این کتاب بین مردم و منتقدان چطور خواهد بود.
● در مورد کتاب پاییز... آیا پیش بینی این حجم از استقبال را می کردید؟
خیر.
● با توجه به استقبالی که از پاییز شد، برای هرس نیز چنین مقبولیتی را متصور بودید؟
باز هم خیر.
● داستان هرس واقعی است یا زاده خیال نویسنده اش؟
به طور کامل زاده خیال است.
● به شخصه احساس کردم در رمان هرس با قلمی پخته تر، حساب شده تر و حرفه ای تر رو به رو هستیم؛ آیا حس خودتان نسبت

به بیان دیگر با مروری مواجهیم که تمام زندگی اش را وقف بهتر کردن حال خانواده اش می کند و هر بار بیش از پیش ناامید می شود. کتاب، نثری دلنشین، ساده و روان دارد. نسیم مرعشی را پیش از این با گزارش های مطبوعاتی اش و کتاب اول او؛ پاییز فصل آخر سال است شناخته ایم. قلم پخته و جذابی که مخاطب را همراه خود می کند و حس همدان پنداری با شخصیت ها را در او بیدار می سازد. نوال داستان هرس، منقل نیست؛ او زخم جنگ را بر رو حش دارد چنانکه جنگ و تلخی های بی شمار آن بر تمام زندگی اش سایه افکنده است؛ بنابراین عجب نیست اگر دل از خانواده اش بکنند، برای نخل ها مادری کند و بوی جنگ را از رسول بپوشاند. بازی با کلمات، روایت خوب و منسجم، کنش و واکنش های منطقی، نثر بومی هرس، بی شک از دلایل استقبال مردم از این کتاب است. اگر چه به شخصه با بعضی از قسمت ها که اطناب و توصیف های طولانی و گاه تکراری که فضای آندوهنگین کتاب، پیش بردن آن ها را برایم سخت تر کرده بود ارتباط نگر قسمت اما همچنان هرس کتابی بانثری بومی محسوب می شود حتی برای نسل امروز که از جنگ فقط روایت دیگران را شنیده یا دیده اند، ملموس و فضای کتاب و جنبش منطقی اتفاقات برای مخاطب باور پذیر است. با این همه حجم زیاد درد و اندوه کار اکثر ها (که البته اغراق نیست). فضای تلخ و حتی سیاه کتاب، مواجهه غمناک شخصیت ها با جنگ و ... فاکتور هایی به شمار می روند که ممکن است ریتیم

تمام تر فندان فیلمنامه نویس (اگر بتوان نام آن ها را تر فند گذاشت) باز هم در کلیشه غلت می زند و از آن رهایی نمی یابد. فیلم مغلمه بی هویتی از آناری چون هفت و زود یک است با این تفاوت که در سطح بسیار پایین تری از این آثار قرار می گیرد. بازی تمام بازیگران حتی اسطوره های مثل آل پاچینو، به سبب داستانی احتمقانه فیلم احتمقانه تر به نظر می رسد و انگاری تمامی این آدمک های جلوی دوربین فقط منتظر پایان سکانس هستند تا بروند خانه و استراحت کنند. با نگاه به تمام زوایای فیلم باز هم نمی توان نکته مثبتی لاقل در باره موسیقی یا تدوین پیدا کرد و فیلمبرداری و زاویه دوربین در برخی سکانس ها را می توان جالب توجه قلمداد کرد. همچنان تزیق شده به داخل فیلم به سبب کودن بودن شخصیت های پلیس و کار آگاه و خبرنگار زنده (سه کارا کتری که باید هر کدام برای خودشان شریوک هولمزی باشند) تصنعی بار آمده و همان گونه که در آغاز سخن گفته شد، امکان ندارد چنین فیلمی بدون ظهور آل پاچینو در قالب نقش اصلی تا آخر توسط تماشاگر دیده شود.
پایان بندی فیلم نیز نگاهی به فیلم های دهه ۹۰ دارد و چنان کلیشه ای از کار در آمده که گویی ناخود آگاه مخاطب را به خنده وامی دارد. از این قبیل خنده ها در جای جای دیالوگ ها و سکانس ها گاهی

پرده قره ای
هم انجام می دهد و آل پاچینو به همراه همکارش سعی در افشای راز پشت پرده این جنایت ها دارند. البته این وسط خاتم خبرنگاری نیز هست که قرار شده با این دوتن در تمام مراحل پلیسی همراهی کنند تا کتاب جدیدش را بنویسند. داستانی به شدت تکراری و کلیشه ای که با وجود دوست داشتنی در نقش اول فیلم ظاهر نمی شد؛ شما امکان نداشتن فیلم را تا آخر ببینید، متوجه شوید که تهیه کننده حاضر شده چقدر دستمزدی را بدهد تا فیلمش دیده شود. فیلم بازی اعدام، داستان قاتل جنایتکاری را تعریف می کند که قتل های سریالی را به فاصله یک روز پشت



زن در این بین بدشانس تر هستند و به دلیل دست دادن چهره با اندام شان، فراموش می شوند و کمتر کسی را پیدا می کنیم که مثل مریل استریپ همچنان بدر خشد یا سوفیالورن باشد و بازی در یک فیلم کوتاه همه چشم ها را به خود خیره کند.
اسطوره دنیای بازیگری بسیاری از ما نیز بعد از افرادی چون مارلون براندو و پل نیومن و... انش خاصی مثل رابرت دنیرو و آل پاچینو هستند. دوفردی که حالا پایه سن گذاشته اند و با چالش های جدیدی در زندگی سینمایی خود روبرو هستند. هیچ وقت مصاحبه مارلون براندو بعد از بازی در فیلم های آخرش در کنار جلی دپ را یاد نمی برم که به خبرنگار گفت: تو هم پول بده بده من و من در فیلمت بازی می کنم!
به نظر می رسد که جریان فیلمی مثل «بازی اعدام» نیز چیزی شبیه به همین مصاحبه های آمار مارلون براندو باشد؛ هرگز نه از زاویه ای به فیلم و عوامل آن نگاه کنیم، نمی توانیم بازی آل پاچینو در این اثر را همصمیم کنیم البته شاید وقتی بعد از دیدن فیلم متوجه شوید که اگر آل پاچینوی

بازی اعدام» فاجعه کار نامه سینمایی «آل پاچینو» است

تمشک طلایی

آرش پارسیپور

بعید است از عاشقان سینما و اهل فرهنگ باشی و دوستم آل پاچینو به گوش تان نخورد؛ به شدت مردی باقلمتی کوتاه و لحن صدایی خاصی که توانسته در قالب نقش های مختلف سینمایی فرورود و شاهکار هایی در دنیای بازیگری را به نام خود ثبت کند. نقش های ماندگار آل پاچینو در سینما کم نیستند و برای معرفی و بررسی آن ها نیازمند یک ویژه نامه سینمایی خواهیم بود. همین پس که بازی به یادماندنی او را در پرد خولنده یاد بعد از ظهور سگی به یاد یاورید تا بداندیداریم در مورد چه اسطوره های صحت می کنیم.
افسانه های دنیای بازیگری اغلب با بالا رفتن سن شان قبل از اینکه خود هالیوود و دنیای بی رحم پرده سینما به آن ها پشت کند، خودشان دست پیش گرفته و از عالم بازیگری خداحافظی می کنند در تاریخ نمونه های بسیاری داشته ایم و امروز به نثر بازیگری چون جن همکن باجک نیکلسون مدت هاست که در نقش سینمایی خاصی ایفای نقش نکرده اند و به نوعی سینما را ترک گفتند. بازیگران

نگارخانه

گالری رها، چهره های هنر دنیا را به تهران می آورد

گالری رها که سال ۹۴ مجوز خود را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرده است، قصد دارد تغییراتی در روند فعالیت خود به وجود آورد. عاطفه فتاحی پور، مدیر گالری رها، اعلام خبر فوق گفت: «جامعه هنری، گالری رها را با مجموعه داری می شناسند حتی سال ها پیش از تاسیس گالری حمایت از هنر ایران و پشتیبانی از هنرمندان ایرانی با حضور پر رنگ در حراجی های معتبر خارجی داخلی، خرید از آتلیه هنرمندان و گالری ها مدنظر مدیریت و عالی این مجموعه بوده و هست. تاسیس رها برای سامان دادن به مجموعه گرانمایی بود که در این سال ها گرد هم آمده اما اکنون در آستانه ورود به سومین سال تاسیس، تصمیم گرفته ایم به سهم خود نقش متفاوتی ایفا کنیم تا قدمی در جهت توسعه هنر ایران برداریم. او افزود: «هر چند قرار است هزار گانه نمایشگاهی در هنرمندان منتخب مان ارائه کنیم اما به حتم گالری رها قصد ندارد رقیبی برای گالری های داخلی باشد و فضای کاری مان متفاوت و رویکردمان مانند موزه گالری خواهد بود؛ به عنوان مثال در صد دیدم برای هنرمندان شایسته ایرانی شوهای درخور توجه در خارج کشور بر گزار کنیم یا اینکه یکی از خلاهای جدی هنر ایران، تولید محتواست؛ از بسیاری از فریختگان هنر ایران حتی یک متن تحلیلی به انگلیسی و حتی فارسی وجود ندارد و ما قصد داریم به پهنه های مختلف در این وادی قدم هایی برداریم.» فتاحی پور افزود: «یکی از برنامه های جدی ما که ماهه است

موسیقی

مشکلات هنر مندان بزرگ باید حل شود تا دوباره کار کنند

در اختتامیه فستیوال موسیقی آینه دار مطرح شد

مراسم اختتامیه چهارمین فستیوال موسیقی آینه دار با تجلیل از بازیگران و همچنین خولش دلنوشته های از معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تالار وحدت تهران برگزار شد. علی مغزایی (دبیر هنری چهارمین فستیوال موسیقی نواحی آینه دار) در ابتدای این مراسم که مجری گری آن بر عهده محمد سلوکی بود، گفت: با وجودی که خودم به اندازه کافی از موسیقی اقوام شمال غرب ایران اطلاعات دارم، باید بگویم بر گزاری این رویداد موسیقایی کیفیت هایی را به ما ارائه داد که فکر می کنم خیلی از ما از آن بی اطلاع هستیم. باید اذعان کنم اتفاق آینه دار از نظر من رستخیز موسیقی آذربایجان بود.
وی در ادامه گفت: در این دوره هنرمندانی در عرصه موسیقی اقوام شمال غرب ایران حضور داشتند که برخی از آن ها قریب به ۱۰ سال کنار رفته بودند. حتی برخی نیز وجود دارند که متأسفانه بنا به شرایط دیگر نمی توانند کار کنند. به حال تعداد زیادی از این هنرمندان بزرگ دچار گرفتاری های زیادی هستند که امیدوارم هر چه زودتر مشکلات شان مرتفع شود و بتوانند دوباره در حوز موسیقی به فعالیت مشغول باشند. این هنرمندان از موسیقی ارتقا می کنند. همان موسیقی که در سال های گذشته در عروسی ها، قهوه خانه ها و فضاهایی از این دست اجرا می شد اما متأسفانه شرایط به گونه ای است که همین هنرمندان دیگر از رده خارج شدند.
این پژوهشگر موسیقی اقوام تصریح کرد: «ما باید یادیم که به تعداد عاشیق های منطقه آذربایجان هنرمند دیگری اضافه شده باشد؛ گویند عاشیق ها همین هستند که توقع زیادی هم از مسئولان ندارند. آن ها به این نیاز دارند که از کمترین تسهیلات از جمله بیمه و بازنگارگری برخوردار باشند. ما از دوستان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فقط همین را می خواهیم و آن آقا حسین و همکاران شان می خواهیم این عزیزان را در بیاورند. سید مجتبی حسینی، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این مراسم ضمن قرائت دلنوشته ای در قدردانی از هنرمندان موسیقی اقوام ایران گفت: بهترین دست مرزاده به بر گزار کنندگان فستیوال آینه دار حضور، شمسالت که موجب دلگرمی آن هاست. بنده در تیر سال جاری افتخار حضور در جشنواره موسیقی نواحی کرمان را داشتم و در همان زمان بود که به عنوان شنونده موسیقی اقوام احساسات خود را نوشتم که همین جان من را از این شمامی خوشم.
وی در بخش دیگری از مراسم که به اهدای لوح و قدر دانی از پیشکسوتان موسیقی نواحی ایران اختصاص داشت، در پاسخ به پرسش تعدادی از حاضران مراسم که در تالار پیگیر موضوع بیمه هنرمندان بودند، گفت: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تمام دولتی نبوده همه اختیارات را بر عهده ندارد. به هر صورت طبق قوانین، هنرمندان بالای ۵ سال نمی توانند بیمه تامین اجتماعی شوند اما بیمه تکمیلی شامل حال آن هاست. شوی که موزارت ارشاد آن را عملی کرد البته در ابتدای دولت یازدهم دیده وزارت ارشاد به تامین اجتماعی پرداخت شده و هنرمندان از طریق صندوق اعتباری هنر بیمه شدند. در حالی است که سه طرح وزارت ارشاد شامل کمک مستمری، تکرمی و گرمی داشت پیشکسوتان در حال انجام است و همچنان ادامه دارد.
احسان رسول اف، رییس چهارمین فستیوال موسیقی نواحی آینه دار نیز در بخش دیگری از مراسم بابیان اینکه روزه های بر گزاری این فستیوال برای ما جهانی دیگر است، توضیح داد: در کنار فعالیت ها و رویدادهای متنوع که در این شهر بر گزار می شود، من و گروه اجرایی جوانی که در این سال ها با هم کار می کنیم عاشق فراوان انتظار روزه های بر گزار می کنیم. همزمان با استاندار پیشکسوت نواحی یکی از روزه های ماست که تیم ما را سر پایانه داشته است. مادر طول بر گزاری آینه دار از تهران پر تناقض و حرفه وحید به دبندیایی می روم که فکر می کنیم سورنالیست است.